

مومن و کافر



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين محمد صلى الله عليه و اله و اهل بيت الطاهرين

مردم دنیا به دو دسته تقسیم می شوند. یا مومند یا کافر! که متأسفانه اکثراً کافرند و خداشناس! و عده کمی خدا شناس و مومند که خدا خود در قران کریم فرموده است:

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (عنكبوت ایه 63) اکثر مردم بی عقلند!

در جاهای دیگر فرموده :

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (73 نمل) و حقیقتاً خدایت صاحب فضل به مردم است ولی اکثر مردم ناشکرند!

سوره مبارکه یس آیه ۷

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ترجمه:

فرمان (الهی) درباره بیشتر آنها تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی آورند!

مفهوم کفر با مشتقاتش بیش از 500 بار در قران ذکر شده است. و ایمان با مشتقاتش بیش از

800 بار در قران ذکر شده است

معنای اساسی کفر، ناسپاسی کردن و ناسپاس بودن در مقابل خیر و احسانی است، که به شخصی از طرف شخص دیگر رسیده باشد. اما در نظام قرآنی بین کلمه «**کفر**» و کلمه «**الله**»، ارتباطی مستقیم به وجود آمد. در حوزه این میدان معنا شناختی، دیگر کفر، بیان کننده مفهوم ساده ناسپاسی نبود، بلکه مفهوم ناسپاسی به خدا و قدرشناسی به احسان و عنایت الهی پیدا کرد. و در حقیقت کفر در مقابل ایمان است و کافر در مقابل مومن.

کافر بودن علل مختلفی دارد که مهم ترین آن عدم آگاهی نسبت به اثار و برکات ایمان است. همچنین تبعیت از شهوات و ترجیح دادن دنیا بر آخرت نیز از علل کفر است.

در این کتاب حالات مختلف مومن و کافر که در آیات و روایات آمده عرضه می گردد. انشالله مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

پاییز 99. کرمانشاه

قرآن درباره مومن و کافر چه می گوید؟

مؤمنان ایمانشان زیاد می شود، «زادتهم ایمانا» (17) ولی کفار کفرشان بیشتر می شود. «و ازدادوا کفراً» (18)

سرپرست مؤمن خداست، «اللّٰه ولیّ الذّٰین آمنوا» ولی سرپرست دیگران طاغوت ها هستند. «اولیائهم الطاغوت» (19)

خداوند بر دل مؤمن آرامش نازل می کند، «انزل السکینه فی قلوب المؤمنین» (20) ولی بر دل کفار ترس و وحشت می افکند. «سنلقى فی قلوب الذّٰین کفروا الرّعب» (21)

افراد با ایمان پیرو حق هستند، «الذّٰین آمنوا اتّبعوا الحقّ» ولی کفار پیرو باطلند. «الذّٰین کفروا اتّبعوا الباطل» (22)

آینده مؤمن محبوبیت است، «سیجعل لهم الرّحمن وداً» (23)

ولی آینده کافر حقارت و ذلت است. «ترهقهم ذلّه» (24)

اهل ایمان به هنگام جان دادن سلام فرشتگان را دریافت می کنند، «تتوفّاهم الملائکه طیبین یقولون سلام علیکم» (25) ولی ستمگران با قهر فرشتگان روبرو می شوند. «تتوفّاهم الملائکه ظالمی انفسهم» (26)

جهاد اهل ایمان در راه خداست، «یقاتلون فی سبیل اللّٰه» ولی جنگ و ستیز کفار در راه طاغوت است. «یقاتلون فی سبیل الطاغوت» (27)

پاداش اهل ایمان محفوظ است، «لا نضیع اجر من احسن عملاً» (28) ولی تلاش دیگران محو می شود. «حبطت اعمالهم» (29)

مؤمن امکانات و دارایی خود را از خدا می داند، «هذا من فضل ربّی» (30) ولی کافر هر چه دارد از علم و هنر و تلاش خود می پندارد. «انما اوّتیته علی علم عندی» (31)

کارهای مؤمن پایدار است، «فلن یضلّ اعمالهم» (32) ولی کارهای کفار از بین می‌رود. «اضلّ اعمالهم» (33)

مؤمن از هیچ کس نمی‌ترسد، «لا یخشون احداً» (34) ولی دیگران ترس دارند. «یخشون الناس کخشیه الله» (35)

بر اهل ایمان فرشته نازل می‌شود، «تتنزل علیهم الملائکة» (36) ولی بر دیگران شیاطین. «تنزل الشیاطین» (37)

اهل ایمان امیدوارند، «یبشر المؤمنین» (38) ولی کفار مأیوسند. «اذا هم یقنطون» (39)

و در یک کلام راه حق، راه برترین است، «کلمة الله هی العلیا» و راه کفر پست‌ترین است. «کلمة الذین کفروا السفلی» (40)

آیا با این همه تابلوهای شفاف قرآنی، جایی برای شک و تردید باقی می‌ماند؟

آری، در دین هیچ شکّی نیست، «لاریب فیه» (41) اما آنان در خود وسوسه ایجاد می‌کنند. «فی ربهم یترددون» (42)

17) انفال، 2.

18) آل عمران، 90.

19) بقره، 257.

20) فتح، 4.

21) انفال، 12.

22) محمد، 3.

- (23) مريم، 96.
- (24) يونس، 27.
- (25) نحل، 32.
- (26) نحل، 28.
- (27) نساء، 76.
- (28) كهف، 30.
- (29) بقره، 217.
- (30) نمل، 40.
- (31) قصص، 78.
- (32) محمد، 4.
- (33) محمد، 1.
- (34) احزاب، 39.
- (35) نساء، 77.
- (36) فصلت، 30.
- (37) شعراء، 221.
- (38) اسراء، 9.
- (39) روم، 36.
- (40) توبه، 40.

41) بقره، 2.

42) توبه، 45.

منبع: تفسیر نور / حجه الاسلام محسن قرائتی / تفسیر ذیل آیه 21 سوره ی جاثیه

جهاد مومن در راه خدا و جهاد کافر در راه طاغوت است...

الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت؛»

¹ کسانی که ایمان آوردند در راه خدا می جنگند و کسانی که کافر شدند در

راه طاغوت می جنگند

بهشت سرنوشت مومن و جهنم سرنوشت کافر

ان الله یدخل الذین آمنوا وعملوا الصالحات جنات تجری من تحتها الانهار والذین کفروا یتمتعون
ویاکلون کما تاكل الانعام والنار مثوی لهم؛^۲

بدرستی که خداوند کسانی را که ایمان آوردند (مومنین) و کارهای شایسته کردند، به بهشت هایی که نهرها از زیر آن جاری است وارد می کند و کسانی که کافر شدند (کافرین) بهره مند می شوند و می خورند همان گونه که چهارپایان می خورند و آتش جایگاه آنان است،

الملک یومئذ لله یحکم بینهم فالذین آمنوا وعملوا الصالحات فی جنات النعیم والذین کفروا «
وکذبوا بآیاتنا فاولئک لهم عذاب مهین؛^۳

فرمانروائی در آن روز برای خداست. برایشان حکم میکند پس کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند در بهشت های پر نعمتند و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ شمردند، پس برای آنان عذاب خوار کننده ای است.»

¹ نساء/سوره ۴، آیه ۷۶

² محمد/سوره ۴۷، آیه ۱۲

³ حج/سوره ۲۲، آیه ۵۶-۵۷

خداوند سرپرست مومنان و طاغوت سرپرست کافران!

الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور والذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم «
من النور الی الظلمات...»^۴

خداوند یار کسانی است که ایمان آوردند. آنان را از تاریکی ها به روشنائی بیرون می برد. و آنان که کافر شدند، یارانشان طاغوت است، آنان را از روشنایی به تاریکی ها بیرون می برد.».

افلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم دمر الله علیهم وللكافرين امثالها «
ذلک بان الله مولى الذین آمنوا وان الکافرين لا مولى لهم»^۵

پس، آیا در زمین سیر نکردند پس بنگرید که عاقبت کسانی که بیش از آن بودند، چگونه بود.
خداوند آنان را هلاک کرد و برای کافران امثال آن (عاقبت) خواهد بود. این بدان سبب است که بدرستی خداوند یاور کسانی است که ایمان آوردند و بدرستی کافران هیچ یآوری ندارند.».

قلب مومن و قلب کافر!

قلب

مومنان را بدلیل ذکر نام خداوند، مالا مال از صفا و آرامش ملکوتی وصف می کنند، در مقابل قلب های کافران، که مثل سنگ و بلکه سخت تر از آن وصف می شوند.

در این باره قرآن

می فرماید: «الذین آمنوا وتطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب»^۶

آنان که ایمان آوردند و دل هایشان به یاد خدا آرامش می یابد. آگاه باشید که دل ها به یاد خدا آرامش می یابد.».

^۴ بقره/سوره ۲، آیه ۲۵۷

^۵ محمد/سوره ۴۷، آیه ۱۱-۱۰.

^۶ رعد/سوره ۱۳، آیه ۲۸.

ثم قست قلوبكم من بعد ذلك فهي كالحجارة او اشد قسوة وان من الحجارة لما يتفجر منه الانهار «
وان منها لما يشقق فيخرج منه الماء وان منها لما يهبط من خشية الله وما الله بغافل عما تعملون؛^٧
پس، : دل های شما پس از آن چون سنگ سخت گردید یا سخت تر (از سنگ) که بدرستی که
از سنگ گاه جوی ها روان شود و بدرستی که چون شکافته شود آب از آن بیرون جهد و گاه
از ترس خدا از فراز به نشیب فرو غلتد و خدا از آنچه می کنید غافل نیست.»

جایگاه مومن و کافر در قیامت

«يوم تبيض وجوه وتسود وجوه فاما الذين اسودت وجوههم اكفرتم بعد ايمانكم فذوقوا العذاب بما
كنتم تكفرون واما الذين ابيضت وجوههم ففي رحمة الله هم فيها خالدون؛^٨

آن روزی که گروهی سپید روی و گروهی سیاه روی شوند پس اما (به) آنان که سیاه روی شدند
(گفته می شود)، آیا شما پس از ایمان تان کافر شدید. پس به سبب کافر شدن تان عذاب را بچشید و
اما کسانی که سپید روی شدند پس همواره در رحمت خداوندند.»

« وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها قتره اولئك هم الكفرة
الفجرة؛^٩

چهره هایی که در آن روز درخشانند، خندانند و شادانند. و چهره هایی که در آن روز غبار آلودند،
در سیاهی فرو رفته اند. اینان کافران و فاجراند.»

⁷ بقره/سوره ٢، آیه ٧٤.

⁸ آل عمران/سوره ٣، آیه ١٠٧-١٠٦.

⁹ عبس/سوره ٨٠، آیه ٢٨-٢٩.

ازدواج

«ولا تنكحوا المشركات حتى يؤمن ولأمة مؤمنة خير من مشرك ولو اعجبكم ولا تنكحوا المشركين حتى يؤمنوا ولعبد مؤمن خير من مشرك ولو اعجبكم اولئك يدعون الى النار والله يدعو الى الجنة والمغفرة باذنه ويبين آياته للناس لعلهم يتذكرون.¹⁰»

زنان مشرک را تا ایمان نیاورده‌اند به زندگی مگیرید و کنیز مومنه بهتر از آزاد زن مشرکه است، هر چند شما را از او خوش آید. و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند، زن مومنه ندهید. و بنده مومن بهتر از مشرک است، هر چند شما را از او خوش آید. اینان به سوی آتش دعوت می‌کنند و خدا به جانب بهشت و آمرزش. و آیات خود را برای مردم آشکار بیان می‌کند، باشد که به یاد آورند.»

کافر کور و کر و لال است!

خداوند متعال در آیه 24 سوره هود می‌فرماید

«مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»

حال این دو گروه (مؤمنان و کافران)، حال نابینا و کر و بینا و شنواست؛ آیا این دو، همانند یکدیگرند؟! آیا پند نمی‌گیرید؟

لجاجت در کفر و بی‌ایمانی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ¹¹

¹⁰ بقره/سوره 2، آیه 221.

¹¹ بقره آیه 6

یعنی "آنهايي که کافر شدند برای آنها فرق نمی کند آنانرا از عذاب الهی بترسانی یا نترسانی، ایمان نمی آوردند

ممه‌ور شدن دلها

خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ¹²

خدا مهر نهاد بر دلها و گوشهای ایشان (کفار)، و بر چشمهای ایشان پرده افتاده، و ایشان را عذابى سخت خواهد بود

باز قرآن می فرماید:

۱. مؤمن در کار خیر سرعت می گیرد و عکس او، کافر در گناه این گونه است.
۲. مؤمن امر به معروف و نهی از منکر می کند و کافر عکس آن عمل می کند.
۳. مؤمن در وقت انفاق شکر گزار است اما کافر خیال می کند که چیزی از دست داده است.
۴. مؤمن در نمازش خشوع دارد و اما کافر این گونه نیست.
۵. مؤمن شرح صدر دارد و کافر درک ضعیف از دریافت حق دارد.
۶. مؤمنان قلب هایی بی کینه دارند اما کافران قلبی پر از کینه دارند.

حالات مؤمن و کافر در هنگام مرگ، چگونه توصیف می شود؟

حقیقت مرگ، این است که انسان از عالمی به عالم دیگر منتقل می شود. این انتقال برای مؤمن مبارک و شادی بخش است ولی برای کافر اتفاقی ناخوشایند و نامبارک است؛ زیرا دنیا برای مؤمن همانند زندان و مرگ برای او در حکم رهایی از زندان است ولی همین دنیا برای کافر به مثابه بهشت است.^{۱۳}

¹² بقره ایه 7

¹³ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ص 53 و 363، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، 1404ق.

و مرگ او را از بهشتش جدا کرده و به عذاب منتقل می‌سازد.¹⁴

یکی از اتفاقاتی که برای مؤمن، هنگام ترک دنیا می‌افتد این است که ملک الموت، هنگامی که برای گرفتن جاننش نزد او می‌آید، به او دلداری داده و می‌گوید: «من از پدر مهربان هم نسبت به تو مهربان‌تر و دلسوزترم. چشم‌هایت را باز کن و ببین. وقتی او چشم‌هایش را باز می‌کند، می‌بیند که پیامبر و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و حضرت فاطمه زهرا(ع) نزد او آمده‌اند. او با دیدنشان خوشحال می‌شود. از جانب عرش، ندایی مؤمن را خطاب قرار داده و می‌گوید: ای نفس مطمئن به محمد(ص) و آلش! به نزد پروردگارت برگرد که هم تو از او خوشنودی هم او از تو خوشنود است. به جمع بندگانم پیوند و وارد بهشت شو.»¹⁵

اما کافران سرنوشت دیگری برایشان رقم می‌خورد. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «وقتی فرشته مرگ برای گرفتن روح کافر نازل می‌شود، همراه خود سیخی آتشین دارد که با آن روح کافر را می‌گیرد. پس جهنم ناله می‌زند. ... این بلا برای حاکمان ظالم یا کسانی که مال یتیمی را خورده باشند یا شهادت دروغ داده باشند، حتی اگر مسلمان هم باشد، اتفاق خواهد افتاد و اختصاصی به کافر ندارد.»¹⁶

مؤمن و کافر به غیر از مواردی که ذکر شد، حالت‌های متضادی نسبت به یکدیگر هنگام مرگ و بعد از آن به سراغشان می‌آید که برخی از آنها در ادامه ذکر می‌شود.

1. هنگام مرگ، هم کافر و هم مؤمن پیامبر اسلام(ص) و امام علی(ع) را می‌بینند.¹⁷

با این تفاوت که کافر ایشان را به حالتی می‌بیند که ناخوشایند او است، اما در مقابل، مؤمن ایشان را به حالتی می‌بیند که خوش آیند او است.¹⁸ پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) کنار سر او می‌نشینند. سپس پیامبر(ص) به او می‌فرماید: «آنچه که پیش رو داری از آنچه که پشت سر گذاشتی بهتر است، من تو را از آنچه که می‌ترسی امان می‌دهم و آنچه را که به آن امید داشتی

¹⁴ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج 3، ص 135-136، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، 1407ق.

¹⁵ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 6، ص 163، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، 1403ق.

¹⁶ الکافی، ج 3، ص 253-254.

¹⁷ بحار الانوار، ج 6، ص 188.

¹⁸ امام رضا، علی بن موسی، صحیفة الامام الرضا، محقق و مصحح: محمد مهدی، نجف، ص 86، کنگره جهانی امام رضا، مشهد، چاپ اول، 1406ق.

حالا به آن رسیدی. ای روح! به سوی رحمت و رضوان الهی برو. حضرت علی (ع) نیز همین مطالب را به او می‌فرماید.¹⁹

2. یکی از حالات میّت، چه مؤمن و چه کافر، روبرو شدن با فرشته مرگ است. اما این ملاقات به صورت یکسان صورت نمی‌گیرد. کافر ملک الموت را به صورت مرد سیاهی که موهایش سیخ شده و با بویی بسیار بد و با لباس‌هایی تیره می‌بیند، در حالی که از دهان و بینی او آتش و دود بیرون می‌آید به گونه‌ای که حضرت ابراهیم (ع) با دیدن این حالت فرشته مرگ (که به درخواست خود ایشان این جریان اتفاق افتاد) به او گفت: «اگر گناهکار فقط همین صحنه را ببیند برای جزای اعمالش کافی است». اما انسان مؤمن ملک الموت را به شکل جوان زیبارویی که لباس‌های زیبا پوشیده و هیئت زیبایی دارد می‌بیند، در حالی که بویی خوش از او به مشامش می‌رسد. این منظره آن قدر خوش آیند مؤمن است که حضرت ابراهیم به فرشته مرگ گفت: «اگر مؤمن فقط این چهره نیکوی تو را به عنوان پاداش نیکی‌هایش ببیند، برایش کافی است».²⁰

3. امام باقر (ع) در توصیفی از ظاهر مؤمن و کافر هنگام خارج شدن روح از بدن چنین فرموده: «نشانه مؤمن این است؛ هنگامی که مرگش فرا می‌رسد، رنگ صورتش از رنگ طبیعی آن سفیدتر می‌شود و بر پیشانی‌اش عرق می‌نشیند و چیزی مانند اشک از چشمش خارج می‌شود که این اتفاق نشان دهنده خارج شدن روح از بدنش است. ولی روح کافر از کنار دهانش خارج می‌شود مانند کفی که از دهان شتر خارج می‌شود یا همان طور که روح شتر از بدنش بیرونی می‌آید، روح کافر از بدنش خارج می‌شود».²¹

4. امام صادق (ع) به یکی از اصحابش که از ایشان درخواست کرده بود مرگ را برایش توصیف کند، چنین فرمود: «مرگ برای مؤمن مانند بهترین بویی است که آن را استشمام می‌کند. به خاطر بوی خوشش به خواب می‌رود و همه سختی‌ها و دردها به پایان می‌رسد. اما برای کافر مانند نیش افعی و گزش عقرب یا شدیدتر از آن است. برای برخی از کافران و گناه کاران از بریده شدن با

¹⁹ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، محقق و مصحح: رسولی محلاتی، هاشم، ج 2، ص 126، المطبعة العلمية، تهران، چاپ اول، 1380 ق.

²⁰ ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه، محقق و مصحح: عراقی، مجتبی، ج 1، ص 274، دار السید الشهداء، قم، چاپ اول، 1405 ق.

²¹ الکافی، ج 3، ص 134.

اره و تکه شدن با قیچی و برخورد سنگ به او و چرخاندن سنگ آسیاب بر حلقه چشم است. آن مؤمنی که به آسانی جان خود را تسلیم می کند علتش آن است که خداوند خواسته هر چه سریع تر او به پاداش آن عالم نائل شود، و آن مؤمنی که سكرات مرگ را با دشواری پشت سر می گذارد، برای این است که گناهی که در دنیا مرتکب شده جبران شود، تا پاک و پاکیزه وارد آن عالم شود، و بدون هیچ مانعی استحقاق پاداش ابدی را پیدا کند. و آن کافری که به آسانی جان می دهد، این راحتی پاداش کارهای خیری است که در دنیا انجام داده تا وقتی که از دنیا می رود دیگر طلبی از خدا نداشته باشد و برایش کار نیکی باقی نماند مگر آنچه موجب عقاب است و جز گناهانش چیزی در نامه عملش وجود نداشته باشد. و آن کافری که با سختی، سكرات مرگ را می گذراند؛ از همان لحظه نخست، عذاب و شکنجه او شروع می شود، و چون خدا عادل است، به هیچ کس ستم نمی کند (حتی نسبت به کافران نیز عدالتش را اجرا می کند و حتی از آنها ضایع نمی کند)²²

5. همچنین امام صادق (ع) در پاسخ به این سؤال که آیا شخص مؤمن در قبض روح مورد اکراه و اجبار قرار می گیرد، فرمود: «به خدا قسم نه؛ زیرا وقتی که ملک الموت نزد او می آید، دچار جزع و بی قراری می شود. در این حالت ملک الموت به او می گوید: جزع مکن. به خدا قسم من از پدر مهربان نسبت به تو دل سوزتر هستم. چشمانت را باز کن و نگاه کن. وقتی او چشمانش را باز می کند، پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و دیگر امامان و حضرت زهرا (س) برای او متمثل می شوند و او با دیدن این بزرگواران، خوشحال می شود»²³.

البته گاهی مؤمن دچار سكرات و دشواری های مرگ می شود که این مسائل، به نفع مؤمن است؛ چون کفاره گناهان او محسوب شده و او را پاک به درگاه خدا خواهد برد. از این رو؛ در روایات آمده است: «اگر مؤمن در حال قبض روح در آرامش و راحتی باشد، این به معنای ثواب زود هنگامی است که نصیبش شده است و اگر دچار سختی شود، این سختی، برای پاک شدن از گناه است تا به صورت پاک و پاکیزه منتقل به آخرت شده و مستحق دریافت ثواب خدا باشد و

²² شیخ صدوق، معانی الاخبار، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ص 287، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول، 1403 ق.

²³ فرات کوفی، ابوالقاسم، تفسیر فرات، ص 554، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1410 ق.

مانعی در این کار برایش ایجاد نشود.^{۲۴}

5. امام سجاده (ع) فرمود: «مرگ برای مؤمن مانند بیرون آوردن لباس های چرک و باز کردن قید و بندها و زنجیرهای سنگین و بر تن کردن لباس های فاخر و استعمال عطرها و بوهای خوش و سوار شدن بر بهترین مرکب ها و وارد شدن به بهترین جایگاه است ولی برای کافر مانند بیرون آوردن لباس های فاخر و بیرون رفتن از خانه خوب و پوشیدن لباس های چرکین و زبر و وارد شدن به ترسناک ترین خانه ها و بزرگ ترین عذاب ها است»^{۲۵}.

6. بنابر توصیف قرآن؛ وقتی فرشتگان موکل قبض روح، به سراغ کافران می روند و روح آنها را می گیرند، هم به صورت های آنان می زنند و هم به پشتشان می زنند و آنها را به سمت آتش جهنم می برند.^{۲۶} اما همین فرشتگان وقتی به سراغ مؤمنان رفته و روح آنها را می گیرند، به آنان سلام می کنند و خوش آمد می گویند و آنها را به بهشت هدایت می کنند.^{۲۷}

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (مائده 10)

و آنان که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اهل جهنم خواهند بود.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (مائده 36)

آنان که کافر شدند اگر دو برابر آنچه در زمین است فدا آرند تا به آن خود را از عذاب قیامت رهانند هرگز از آنها قبول نشود و آنان را عذاب دردناک خواهد بود.

^{۲۴} شیخ مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیه، محقق و مصحح: درگاهی، حسین، کنگره شیخ مفید، ص 54، قم، چاپ دوم، 1414 ق.

^{۲۵} همان، ص 289.

^{۲۶} انفال، 27.

^{۲۷} نحل، 32.

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (انعام 82)

آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستمی نیالودند ایمنی آنها راست و هم آنها حقیقتا هدایت یافته‌اند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (اعراف 42)

و آنان که ایمان آوردند و (به قدر وسع) در کار نیک و شایسته کوشیدند- زیرا ما کسی را بیش از وسع تکلیف نکنیم- آنها اهل بهشت و جاودان در آن متعینند.

نَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ (اعراف 50)

و اهل دوزخ بهشتیان را آواز کنند که ما را از آبهای گوارا یا از نعم بهشتی که خدا روزی شما کرده بهره‌مند کنید. آنها پاسخ دهند که خدا این آب و طعام را بر کافران حرام گردانیده است.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوْقَهُ حِسَابُهُ ۖ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ (نور 39)

و آنان که کافرنند اعمالشان در مثل به سرابی ماند در بیابان هموار بی آب که شخص تشنه آن را آب پندارد (و به جانب آن شتابد) چون بدانجا رسید هیچ آب نیابد، و (آن کافر) خدا را حاضر و ناظر اعمال خویش بیند که به حساب کارش تمام و کامل برسد و خدا به یک لحظه حساب تمام خلایق می‌کند.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۚ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي
شَيْئًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور 55)

خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر علیه السلام) ایمان آرند و نیکوکار گردند
و وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافتشان دهد چنانکه امم صالح پیمبران سلف را
جانشین پیشینیان آنها نمود، و دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است بر همه ادیان) تمکین و
تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به
یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند، و بعد از آن هر که کافر شود پس آنان به
حقیقت همان فاسقان تبه‌کارند.

فَلَا تُطِيعُوا الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (فرقان 52)

پس تو هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنان که مخالفت قرآن و دین حق کنند سخت جهاد و
کارزار کن.

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۗ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا (فرقان 55)

و (این مشرکان نادان) به جای خدا بت‌هایی که هیچ سود و زیانی به حال آنان ندارد می‌پرستند، و
کافر پشت به امر پروردگار خود می‌کند.

روح وریحان یا حمیم!

امام کاظم (ع) از پدرش، نقل می کند که هر مؤمنی رحلت کند، هفتاد هزار فرشته، او را تا قبر، تشییع می کنند. وقتی او را وارد قبر می کنند، نکیر و منکر نزد او می آیند و او را می نشانند و به او می گویند: خدایت کیست؟

چه دینی داری؟ پیامبرت کیست؟ او جواب می دهد: الله پروردگارم و محمد، پیامبرم و اسلام، دینم است.

در این هنگام، قبر او را تا آنجا که چشم، کار می کند، وسیع می کنند و برای او غذای بهشتی می آورند و بر او روح وریحان، وارد می کنند. همانطور که خدا فرموده است یعنی: اگر از مقربین باشد، روح وریحان - در قبر - و بهشت پر از نعمت - در آخرت - است.

ولی وقتی کافر می میرد، هفتاد هزار، مأمور جهنم او را تا قبر همراهی می کنند! او با فریادی که همه موجودات، غیر از انس و جن، می شنوند، می گوید: مرا برگردانید! شاید از مؤمنین کردم و عمل صالح، انجام دهم! آنان پاسخ می دهند: هرگز! تو فقط حرف می زنی! و مأموری می گوید: اگر او را برگردانید، باز هم به اعمال بدش ادامه می دهد! وقتی او را وارد قبر می کنند و تشییع کنندگان و مردم، بر می گردند، نکیر و منکر، با بدترین شکل به سراغش می آیند و او را می نشانند و می گویند: پروردگارت کیست؟ چه دینی داری؟ پیامبرت کیست؟ او نمی تواند جواب دهد و زبانش، به لکنت می افتد! در این موقع، مأمورین، ضربه ای بر او می زنند که همه موجودات بغیر از انس و جن، از آن به لرزش می افتند. باز از او سؤال می کنند: خدایت کیست؟ چه دینی داری؟ پیامبرت کیست؟ جواب می دهد: نمی دانم! آنان می گویند: ندانستی و هدایت نیافتی و رستگار نشدی! سپس دری از درهای عذاب را بر او باز می کنند و از حمیم جهنم، بر او می ریزند، همانطور که خدای فرماید:

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ

یعنی: اگر از تکذیب کنندگان و گمراهان بود، پس حمیم بر او می باشد.

□ ﴿﴾ به مانند کافر جان میدهند...

□ ﴿﴾ مرحوم کلینی در کتاب کافی روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: علی بن ابیطالب یک روز دچار درد چشم شد. پیامبر وقتی آمدند تا از علی عیادت کنند دیدند آن حضرت از شدت درد فریاد می کشد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی جزع و فزع می کنی؟ آیا واقعا درد تو بسیار شدید است؟

علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله تا به حال چنین دردی نداشته ام. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی! وقتی که ملک الموت می آید تا جان انسان کافری را بگیرد سفودی (مثل سیخ کباب) در دست دارد و بوسیله آن جان او را می گیرد و این قبض روح آن چنان دردناک است که کافر فریاد می زند...

حضرت علی (علیه السلام) همین که این را شنید از بستر خود برخاست و گفت: یا رسول الله یک بار دیگر هم این مطلب را بگوئید، چون آنقدر از شنیدن آن وحشت کردم که درد چشم خودم را فراموش کردم.

بعد فرمود: یا رسول الله آیا این اختصاص به کافران دارد یا بعضی دیگر از امت تو هم اینطور هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: سه دسته از امت من هم اینطور قبض روح می شوند:

1- کسی که مسئولیتی دارد و ظلم می کند

2- گروهی که مال یتیم می خورند

3- شاهی که به دروغ شهادت دهد.

بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۸

امام صادق علیه السلام فرمود: ارواح مؤمنین، در اطاقهایی از بهشت، زندگی می کنند . از غذاهای بهشتی و آشامیدنی های آن، می خورند و می آشامند و به دیدار یکدیگر می روند و می گویند: خدایا! روز قیامت را برسان! تا وعده های تو را ببینیم .

و ارواح کفار، در آتش جهنم هستند که آتش بر آنها عرضه می شود و می گویند: خدایا! قیامت را نرسان و وعده های خود را وفا نکن! و بین اولین ما و آخرین ما را ملاقات نیانداز!

مردگان در قبرستان بقیع!

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه خداوند اراده کند که مردگان را محسوس کند، دستور می دهد که باران چهل روز بر زمین ببارد! آنوقت استخوانها بهم متصل می شوند و گوشت بدنها می روید! سپس فرمود:

روزی جبرئیل نزد پیامبر (ص) آمد و او را بطرف قبرستان بقیع، بر سر قبری برد. جبرئیل صدا زد: باذن خدا زنده شو! ناگاه از قبر، مردی با موها و محاسن سفید، در حالیکه خاک از سر و صورتش می ریخت، بیرون آمد!

و گفت: الحمد لله والله اکبر! جبرئیل به او فرمود: باذن خدا بجای خود برگرد! سپس بر سر قبر دیگری رفتند و جبرئیل گفت: باذن خدا زنده شو!

ناگاه مردی با صورت سیاه از قبر خارج شد، در حالیکه می گفت: وای! حسرت برم! هلاکت بر من! جبرئیل به او فرمود: باذن خدا بجای خود برگرد! سپس جبرئیل به پیامبر (ص) گفت: ای محمد! در روز قیامت، مؤمنین و مشرکین، اینگونه از قبر محسوس می شوند.

ناگاه گردنبندش پاره شد!

«در روایت آمده که حضرت عیسی (ع) مردی را که سالهای سال مرده بود، زنده کرد . حواریون دیدند پیرمرد با نشاطی است. به او گفتند چند سال است مرده ای؟ گفت الان مرا در قبر گذاشتند و دری از بهشت باز شد و به بهشت رفتم. حور العینی به استقبال آمد و مرا در آغوش گرفت. ناگاه گردنبندش پاره شد. با هم نشستیم و داشتیم مهره های گردنبند را جمع می کردیم که تو مرا صدا کردی و مرا احمم! شدی. حضرت عیسی (ع) گفت برگرد و گردنبند را جمع کن!

سپس حضرت عیسی (ع) سر قبر شخص دیگری که هنوز روی قبرش تربود، رفت و او را صدا زد. آن مرد در هنگام مردن جوان بود و تازه مرده بود. ولی پیری زودرس پیدا کرده بود. حضرت عیسی (ع) گفت چند وقت است مرده ای؟ گفت وقت ندارد شاید بیش از یک میلیون سال باشد! حضرت عیسی (ع) گفت عاقبت چه

شد؟ گفت نتوانستم جواب سؤالها را بدهم لذا دری از جهنم باز شد و فرشته‌ای تازیانه‌ای بر من زد که قبرم از آتش پر شد. سوختم تا اینکه تو مرا صدا کردی!»

حالات مردم و خلائق در صحنه قیامت!

طبق آیات قرآن، صحنه قیامت، بسیار سخت و هولناک است!

آنچنان که از سختی آن، کودکان پیر می شوند و مادران، بچه‌های شیرخوار خود را رها می نمایند و انسان از برادر و پدر و مادر و فرزندان و دوستان خود فرار می نماید! آنچنان که همه انبیاء بغیر از حضرت محمد (ص)، صدامی زنند: نفسی، نفسی! یعنی خدایا! بداد من برس! انسانها را مست می بینی در حالیکه مست نمی باشند، بلکه قیامت هولناک است! در آنروز اثری از دوستی ها، رفاقت ها، فامیلی ها و قوم گرائی ها نیست! گناهکار

حاضر است برای فرار از عذاب، فرزندان و زن و برادر و خویشان خود را تسلیم کند! هیچ دوستی نمی تواند بداد دوست

خود برسد، مگر خدا بخواهد! کافر آرزو می کند، ای کاش خاک بودم! قدرت جسمانی و پول و ثروت و زیبایی و حسب و نسب ریاست و علم و دانش و زرنگی و زیرکی و امثال اینها که در دنیا، دارای ارزش هستند، در قیامت بکار نمی آید! معذرت خواهی ظالمین، پذیرفته نمی شود!

تنها در آن روز، متقین و مؤمنین و اولیاء خدا، خوشحال و مسرورند! آنان در قیامت، دارای درجات مختلفی هستند. بعضی ها آنقدر مقامشان بالا است که به موازات منبر نورانی

پیامبر اسلام، منبری برایش نصب می کنند! و بعضی مقامی پایینتر دارند.

رسول خدا: «خداوند عزوجل روز قیامت می فرماید: امروز ظالم و هر که بر او مظلومه ای است، به بهشت و جهنم راهی ندارد تا زمانیکه از او در حساب، ظلمش گرفته شود! سپس اینهارا بسوی عرصه می برند در حالیکه پروردگار بر عرش است و دواتهای نوشتن اعمال نصب شده و میز آنها نهاده شده و پیامبران و شهداء که همان امامان می باشند، حاضر هستند.... شخصی پرسید: ای رسول خدا!! اگر مؤمنی بر کافری مظلومه ای داشته باشد، در حالیکه کافر جهنمی است، چگونه آنرا پس می گیرد؟ فرمود: از گناهان مؤمن بر می دارند و به اعمال کافر اضافه می کند!... سؤال شد که اگر مسلمانی بر مسلمان دیگر حقی داشته باشد چگونه اداء می شود؟ فرمود: از کارهای خوب ظالم بر می دارند و به مظلوم می دهند. سؤال شد: اگر ظالم کارهای خوب نداشته باشد؟ فرمود: از گناهان مظلوم بر می دارند و بر ظالم می گذارند!»

مأذۀ 36:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَالِ الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ
مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.

یعنی: اگر کافران آنچه در کُره زمین است مال آنها باشد و بخواهند آنرا بدهند تا از عذاب قیامت، خلاصی یابن، از آنها قبول نمی شود و برای آنها عذابی دردناک است.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ.

یعنی: وای بر تکذیب کنندگان - قیامت و معاد -.

این آیه در سورهٔ مرسلات، ده بار تکرار شده است!

خواب عجیب پیامبر!

رسول خدا (ص) فرمود: دیشب عجایی را در خواب دیدم! از جمله

دیدم مردی از امت مرا خواستند 7 عذاب کنند ولی وضوء آمد و مانع عذابش شد! دیدم شیاطین، مردی از امت مرا دچار وحشت کردند ولی

ذکر خدا آمد و او را نجات داد! دیدم مردی از امتّم را که مأمورین عذاب به سراغش آمدند ولی نماز آمد و مانع شد! دیدم مردی از امتّم دچار تشنگی و عطش بود و هر گاه می خواست آب بنوشد، مانع می شدند ولی **روزه رمضان** آمد و او را سیراب کرد! دیدم مردی از امتّم را که می خواست یه گروه پیامبران، که حلقه وار نشست بودند، پیوند دهد، ولی نمی گذاشتند. اما **غسل جنابت** آمد و دست او را گرفت و در کنارم نشان داد! دیدم

مردی از امتّم را که مقابل و پشت سر و سمت راست و چپ و پائینش، تاریک است و او در تاریکی واقع شده بود. ولی **حج و عمره** آمد و او را از تاریکی در آورد و نور کرد! دیدم مردی از امتّم، با مؤمنین صحبت می کرد. ولی آنها با او حرف نمی زدند! ناگاه **صله رحم** آمد و گفت: ای

مؤمنین! با او سخن بگوید که او صله رحم می نمود. آنها با او سخن گفتند و با او دست دادند! دیدم مردی از امتّم را که دست و صورت خود را از آتش دور می کرد. تا اینکه **صدقه** آمد و سایه بر سرش و پرده بر صورتش شد! دیدم مردی از امتّم را که زبانه آتش از هر طرف، او را گرفته بود. ولی **امر بمعروف و نهی از منکر** آمدند و او را خلاص کردند با ملائکه رحمت قرار دادند! دیدم مردی از امتّم را که نشسته بود و بین او و رحمت الهی، مانع قرار داشت. ولی **خوش اخلاقی** آمد و دست او را گرفت و وارد رحمت الهی نمود! دیدم مردی از امتّم را که نامه عملش به دست چپ بود. ولی **خوف او از خدا** آمد و نامه عملش را بدست راستش داد! دیدم مردی از امتّم را که بر لبه جهنم ایستاده بود. ولی **امیدش به خدا** آمد و او را نجات داد! دیدم مردی از امتّم در آتش افتاد ولی **اشکهایی که از ترس خدا ریخته بود** آمد و او را از آتش در آورد! دیدم مردی از امتّم بر پل صراط می لرزید. ولی **حسن ظنش به خدا** آمد و لرزشش بر طرف شد و از صراط عبور کرد! دیدم مردی از امتّم بر صراط است و گاهی بر سین اش و گاهی بر دست و پایش می رود و گاهی معلق می شود. ولی **صلوات او بر مت** آمد و او را بر پایش ایستاند و از صراط عبورش داد! دیدم مردی از امتّم بر در بهشت است ولی در بهشت بسته بود. تا اینکه **شهادت لا اله الا الله** آمد و درها را باز کردند و او وارد بهشت شد!

صحنه های مختلف قیامت!

شخصی خدمت امیر مؤمنان آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! در قرآن دچار شک شده ام! حرت فرمود: مادرت بعزایت بنشیند! چرا در قرآن بشک افتاده ای؟ گفت: زیرا در قرآن آیاتی است که با یکدیگر مخالف هستند! حضرت فرمود: کدام آیات؟ گفت: یکی آیه 28 سوره نبا که می فرماید: روز قیامت، غیر از کسانی که

خدا اجازه دهد، احدی سخن نمی گوید! دوم آیه 23 انعام که می فرماید: -در قیامت، مشرکین - گویند: قسم بخدا! ما مشرک نبودیم! سوم آیه 25 عنکبوت که می فرماید: روز قیامت،

بعضی ها به بعضی از شما کافر می شوند و بعضی از شما، بعضی دیگر را لعن نمایند! چهارم آیه 64 سوره ص که می فرماید: جهنمیان، شکایت یکدیگر را می کنند! پنجم آیه 28 سوره ق که می فرماید: نزد من شکایت نکنید!

در این آیات، قرآن از سخن گفتن مشرکین سخن می گوید. ولی در آیه 65 یس می فرماید: امروز بردهاں آنان مَهرِ زدیم و دستها و پاهایشان، آنچه را که انجام داده اند، برایمان می گویند!

طبق آیات اولی، آنان سخن می گویند ولی طبق آیه دومی، آنان حق سخن گفتن ندارند. در بعضی آیات است که احدی اجازه سخن گفتن ندارد ولی در بعضی از آیات می گوید که دست و پا و پوست بدن، سخن می گویند.

ای امیر مؤمنان! علت اختلاف این آیات چیست؟

امیر مؤمنان فرمود: این آیات همه در یک محل قیامت نیست. بلکه هر آیه ای مربوط به یک موقف قیامت است. زیرا روز قیامت، پنجاه هزار سال است! خداوند در آن روز، ابتدا همه را در یک محل جمع می کند.

عده ای که تابعین پیامبران بوده و در دنیا، در کارهای خیر و تقوی، به هم

کمک و یاری می رسانده اند، سخن می گویند و برای یکدیگر، استغفار می کنند. اما آنانکه در دنیا، معصیت می کرده اند و در ظلم و دشمنی، باور هم دیگر بوده اند، و مستکبرین و مستضعفینی که ظلم می کرده اند، در قیامت، یکدیگر را لعن می نمایند!

سپس به محلی می روند که عده ای که در دنیا در ظلم، با هم همکاری کرده اند، از عده ای دیگر، فرار می کنند. همانطور که قرآن می فرماید: روزیکه انسان، از برادر و مادر و پدر و رفیق و پسرانش، فرار می کند!

بعد در محلی جمع شده و گریه می کنند که اگر صدای این گریه ها، به اهل زمین می رسید، مردم از زندگی می افتادند. آنقدر گریه می کنند که اشکشان تبدیل به خون می شود. که قرآن در آیه 37 عبس می فرماید: امروز، هر شخصی بفکر خودش است!

سپس به جای دیگری می روند و سخن می گویند. که در آیه 23 انعام می فرماید: بخدا قسم! ما شرک نورزیدیم!

چون در اینجا به اعمالشان اقرار نمی کنند، بر دهانشان مَهرِ زره می شود و دست و پا و پوست بدنهایشان، سخن می گویند و بر معصیتی که از آن سر زده شهادت میدهند! سپس مَهر از دهانشان برداشته می شود و آنان به اعضای بدنشان اعتراض می کنند که چرا علیه ما شهادت می دهید؟

قرآن جواب اعضا را در آیه 21 فصلت، این چنین می گوید: خدایی که هر چیزی را بسخن می آورد، ما را بسخن آورد!

بعد در جای دیگری جمع شده که هیچ شخصی بدون اجازه خدا، سخن نمی گوید. همانطور که در آیه 38 نبا می فرماید: احدی سخن نمی گوید مگر کسیکه خدا به او اجازه دهد و سخن درست بگوید.

سپس در مکان دیگر جمع می شوند که بعضی ها علیه بعضی شکایت و طلب دین می کنند. و همه این ها قبل از حساب است. و قتیکه حساب شروع شد، هر کسی بخودش مشغول می شود. ما از خدا می خواهیم که آنروز را برایمان، مبارک گرداند.

مؤمن پولدار!

امام علی(ع): روز قیامت، مؤمن پولدار را برای حساب می آورند. خدای فرماید: ای بنده ام! جواب می دهد: لیبک ای خدا! پروردگار می فرماید: آیا تورا شنوا وینا نکردم و مال زیادی بتو ندادم؟ می گوید: آری ای خدا!

خدا می فرماید: برای ملاقات با من چه آماده کرده ای؟ می گوید: بتو ایمان آوردم. پیامبرت را تصدیق کردم و در راه تو جهاد نمودم. خدا می فرماید: با آنچه بتو دادم چه کردی؟ می گوید: در راه اطاعت تو انفاق نمودم. خدا می فرماید: برای وراثت چه گذاشتی؟ می گوید: من و آنها را تو خلق کردی! تو به من و آنها رزق دادی! تو قادر بودی که همانطور که بمن رزق دادی به آنها هم روزی بدهی! لذا آنان را بتو سپردم! خدا می فرماید:

راست گفتی! برو که اگر بدانی چه مقامی نزد من داری، زیاد می خندی!

سپس مؤمن فقیر را برای حساب می خوانند. خدا می فرماید: ای فرزند آدم! می گوید: لیبک ای خدا! می فرماید: چه کرده ای؟ می گوید: ای خدا! مرا به دینت هدایت کردی و به من نعمت دادی! باندازه کفایت بمن دادی که اگر روزی زیاد بمن می دادی، شاید مرا از عبادت مشغول می کرد! خدا می فرماید: راست گفتی! اگر بدانی چه مقامی نزد من داری، بسیار می خندی!

سپس کافر پولدار را می آورند! خدا می فرماید: برای ملاقات با من چه آماده کرده ای؟ می گوید: چیزی آماده نکرده ام! خدا می فرماید: پس با آنچه بتو دادم چه کردی؟ می گوید: همه را برای وراثت گذاشتم! خدای فرماید: چه کسی تورا خلق کرد؟ می گوید: تو! می فرماید: چه کسی بتو روزی داد؟ می گوید: تو! خدا می فرماید: چه کسی وراثت تورا خلق کرد؟

می گوید: تو! خدا می فرماید: آیا همانطور که تورا روزی دادم، نمی توانستم وراثت تورا هم روزی بدهم؟ اگر بگوئی فراموش کردم، هلاک هستی! اگر بگوئی نمی دانستم، باز هم هلاک هستی! اگر بدانی چه عذایی برایت آماده کرده ام، بسیار می گریستی!

سپس کافر فقیر را می آورند. خدا می فرماید: در باره دستورات من چه کردی؟ می گوید: خدا یا! مرا به بلای دنیا - فقر - دچار کردی، بطوریکه تورا از یاد بردم و این بلا مرا از عبادت تو دور کرد! خدا می فرماید: چرا مرا نخواندی تا بتو روزی بدهم؟ اگر بگوئی فراموش کردم، هلاک هستی! و اگر بگوئی نمی دانستم، هلاک هستی! اگر بدانی چه عذای برایت مهیا نموده ام، گریه بسیار می کردی!

کافر حساب ندارد!

امام سجاد(ع):بندگان خدا!بدانید که برای مشرکین،میزان و قلم و دوات محاسبه،گذاشته نمی شود!بلکه آنان گروه گروه بسوی جهنم برده می شوند!میزان و دوات برای مسلمین است.